

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۰۸ جنوری ۲۰۱۹

## اعدام مجدد زنده یادان "مجید و قیوم" به وسیله دشمنان مردم

۴

دوشنبه-۱۷ جدی ۱۳۹۷ - کابل:

آغاز اهانت به مجید و قیوم از همان شروع جلسه:

با حرکت از این درک و برداشت که تدوین کنندگان کتاب قابل رونمایی، با محتویات کتاب آشنا بوده و مطالب آن را خوانده بودند و در ضمن مطالب منتشره، برنامه "ساما" نیز وجود داشته است، برنامه ای که در آن مجید به قلم خودش، یکی از وظایف سه گانه "سازما" و در نتیجه شخص خودش را ایجاد حزب کمونیست به مثابه یکی از ۳ سلاح خلق در وضعیت آن زمان افغانستان اعلام داشته بود، اگر وجدان و ایمان مبارزاتی در برنامه ریزان جلسه وجود می داشت، می بایست جلسه را با سرود "انترناسیونال" آغاز می نمودند، هرگاه آن توان را در خود نمی دیدند به همان سانی که برنامه "ساما" و تمام شبنامه های "ساما" در سال ۱۳۵۸ که به قلم شخص "مجید" نگاشته شده اند بدون "بسم الله" تحریر و نشر شده اند، آنها نمی بایست چنان جلسه ای را با تلاوت آیات قرآن که همه و بدون استثناء صریحاً و تلویحاً در ضدیت مطلق با برنامه "ساما" که ایجاد حزب کمونیست را وظیفه خود دانسته است، قرار دارند، آغاز می نمودند. هموطنان گرامی!

در اینجا بحث می این نیست که چرا هر مجلسی به تلاوت قرآن آغاز می یابد، بحث من این است که چرا می باید فردی را که جنبش چپ افغانستان، منطقه و جهان به حیث یک کمونیست وفادار به "مارکسیسم-لنینیسم-اندیشه مائو تسه دون" می شناسند و خود آن شخص جهت تحقق همان دیدگاه جانش را فدا نموده است، بر مبنای جین و بی ایمانی این و یا آن فرد و یا خود ما و یا هم طمع و مصلحت اندیشی مرتجعانه در اوراق قرآن پیچانیده تقدیم دیگران نمایم. این دو روئی و ریاکاری تا چه زمان؟؟ بگذارید انسانها را همان طوری که بوده اند به مردم معرفی بداریم، نه از آنها چیزی کم کنیم و نه بر آنها چیزی بیفزاییم، به تقطیع فکری و اعتقادی آنها خاتمه دهیم و این فرصت را به توده ها بدهیم تا قهرمانان شان را همان طوری که بوده اند بشناسند، اگر توده ها جهت حرمت قایل شدن به یک انسان تنها ملبس بودن وی به دین را معیار قرار می دهند، بگذارید به همان سان زندگانی و قضاوت نموده، شب و روز شان را با تیکه داران دین و مذهب، اعم از گلبدین ها، ربانی ها، سیاف ها، خلیلی ها، مزاری ها و ... بگذارند و هرگاه جهت ادای احترام نه تنها دینداری را کافی نمی دانند بلکه آن را معیار نیز نمی دانند، چرا روشنفکر نما ها می کوشند، گل های سر سبد جنبش چپ را در پای تندیش تاریخزده مذهب به زانو در آورند؟!

به نظر من که افتخار دیدن زنده یاد "مجید کلکانی" را در خردسالی داشته و دست مرحمت رفیقانه اش را بر شانه هایم احساس نموده ام، آغاز یک محفل به خاطر معرفی "مجید کلکانی" با تلاوت آیات قرآن، هم اهانت به "مجید" است و هم کنه کبیره از نگاه اسلام و بی حرمتی به قرآن.

هرچه بود همان طوری که نگاشته ام مجلس با اهانت به "مجید" آنهم با تلاوت آیات چندی از قرآن آغاز یافت، مگر با تأسف اهانت و توهین به "مجید و رهبر" به همین اندازه خاتمه نیافته با تطبیق هرگام از برنامه مجلس، این توهین ها به صورتهای آشکار و مخفی عمق و گسترش بیشتر یافت. یعنی وقتی جوانکی موسوم به "جاوید کلکانی"، شروع کرد به خواندن زندگینامه زنده یاد "مجید کلکانی"، نه تنها فقر فرهنگی و فکری خود را که ظرفیت و آمادگی قرائت یک متن را ندارد به نمایش گذاشت، بلکه در عمل تشت رسوائی سازماندهندگان و میزبانان پشت پرده آن محفل را از بام پائین انداخته، به حصار مستقیماً دو پیام ارسال داشت.

پیام نخست و می شود گفت مثبت، حامل ضعف و ناتوانی خود آنها بود که کسی را بهتر از "جمشید" نیافته بودند و نباید با آنها سخت گرفت، پیام دوم بیانگر آن بود که از نظر آنها "مجید و قیوم" چیزی بیشتر از آن سزوار و لایق نبودند، پیامی که تقریباً در تمام جریان جلسه، با قرارگرفتن هریک از سخنرانان در عقب میکروفون باربار تکرار گردید. از جمله دعوت از یک انسان خاین و وطنفروشی مانند "سپینتا". این توهین به "مجید و قیوم" تنها با دعوت از "سپینتا" خلاصه نشد، وقتی "سپینتا" مجلس را "شایسته حضور" خود ندانست و خواست از طریق تیلیفون، صحبت نماید، درصد توهین به هزار چندان رسید. چیزی که میزبانان انقیاد طلب برخاسته از محیط لومپنانه خرده مالکی کوهدامن، اصلاً آن را افتخار خود دانسته و می خواستند، فرصت سخنرانی را برای آن جاسوس فراهم سازند.

اینجا بود که اولین اعتراضات بلند و کاملاً اصولی و درست حصار شرکت کننده، خود را آشکار ساخته، با وجود برخورد های لومپنانه تنی چند از برگزار کنندگان که یگانه نقطه مشترک آنها با زنده یادان "مجید و رهبر" تعلق شان به ولسوالی "کلکان" می باشد، مانع از آن شدند که پروسه توهین و اهانت به مجید و رهبر در همان شکل ادامه یابد.

ادامه دارد